

همیشه برای فرهنگ شکر

سرهنگ ثریا من هستم

پای صحبت‌های ثریا عبداللهی شخصیت واقعی فیلم سینمایی‌ای که با موضوع جنایات فرقه رجوی ساخته شده است



خده‌های مرموز و مستمر فرقه رجوی، دشمن را روسیاه کردند. نمونه آنها «ثریا عبداللهی» معروف به سرهنگ ثریاست که ۲۰سال پیش پسرش در بی شرکت در مسابقات آزاد بدنسازی در خارج از کشور، گرفتار فرقه رجوی شد. مادر وقتی متوجه شد، آرام ننشست. شبانه‌روز به مدت ۷سال پشت درهای پادگان اشرف در عراق با گروهی از خانواده‌های اسیران این فرقه تحصن کرد. صدای تخاصم و اعتراض این خانواده‌ها به گوش دنیا رسید، ولی تمام تلاش ثریا و همراهانش این بود که صدایشان به گوش عزیزان در بند برسد. برای تحقق این آرزو، هر کاری کردند و دست آخر آنها را از عراق فراری دادند. روایت این مادران جسور و شجاع ایرانی در فیلم سینمایی «سرهنگ ثریا» به تصویر کشیده شده است. به بهانه اکران این فیلم در دفتر روزنامه همشهری، میزبان ثریا عبداللهی بودیم.

گفت‌وگو
الناز عباسیان
روزنامهنگار

باید مادر باشی تا بتوانی سال‌ها در به‌دوری در کشور بیگانه را به جان بخری؛ آن هم فقط برای یک لحظه دیدن فرزند. باید مادر باشی تا بفهمی برای رسیدن به فرزند، تحمل گرمای جانفرسا و سرمای استخوان‌سوز بیابان‌های عراق، پشت سیم‌خارداهای پادگان اشرف (مقر فرقه تروریستی رجوی) شدنی است؛ حتی اگر از تنش عراق و تانک‌های آمریکایی مقابلت صف بکشند یا حتی با دستگاه‌های سنگ‌شکن و نیزه‌ساز از زمین و هوا بر سرت سنگ و نیزه بریزند. مادران این سرزمین چه در سال‌های جنگ تحمیلی و چه در مقابل



راه‌اندازی کرده و نزدیک به ۱۲سال است که از مجامع داخلی و بین‌المللی پیگیری وضعیت اسیرشدگان در بند رجوی هستیم. من این مسئولیت را قبول کردم و تا آخرین نفس کنار مادران دردکشیده هستیم. در کنار ما انجمن «تجات» به مدیریت مهندس خاندینه هم فعال و حامی افراد آزاده‌ش از بند رجوی است.

حرف آخر اینکه خوشحالم که بعد از ۴۰سال امکان صحبت کردن از درد دل‌های خانواده‌های قربانی این فرقه فراهم شد تا برای نسل جدید افشاکگری کنیم. در حال حاضر این‌س فرقه با هیله‌های جدید به کار خودش ادامه می‌دهد و این‌رو با وعده پول و دستمزد زیاد سراغ جوانان جوانی که در بدنیال انتقام از مردم ایران هستند. این فرقه در ایران و به‌ویژه در میان جوانان خیلی کم شناخته شده است. در ناآرامی‌های سال گذشته من خودم شاهد بودم که اغتشاشگران خاندینه همان شعارهایی را می‌دادند که فرقه رجوی ساخته بود.

از عراق و بزرگ‌ترین ماحصل این تحصن، نشان

دادن چهره کثیف و واقعی و غیر انسانی این فرقه به مردم دنیا بود. ما که شناختی نسبت به این افراد

نداشتیم، اما همان‌ها که آزاد شدند شرح دادند که چه رفتارهای غیر انسانی‌ای داخل گروه صورت می‌گرفت. در این فرقه از خانواده به‌عنوان یک

نهاد محرب یاد می‌کنند و حق ندارند حرفی از مادر، پدر، همسر و فرزند بزنند؛ حتی حق ندارند خواب عزیزانشان را ببینند. اگر هم خواب ببینند باید برای آنها تعریف کنند. در این شرایط اما برای خودشان اجازه صادر می‌کنند تا همه زن‌ها و دخترها یک‌شبه طلاق اجباری داده شوند و به عقد رجوی دربیایند و ناموس او شوند. هزاران ایرانی هم به اجبار و زیر شکنجه به سازمان برده شدند. تعداد زیادی هم فریب کاری‌های این فرقه را خوردند.

در میانه‌ها و اعتراض‌ها تان‌ها و شهید‌ها هم

هستند که یکباره از آسمان به زمین خوردند.

مادری را سراغ دارم که تا سال‌ها به‌عنوان خانواده

شهید مفقودالثر شناخته می‌شد و آبرو و اعتباری داشت، اما سال‌ها بعد خبر آوردند که پسرش در سازمان اسیر است. ببینید یک مادر چه ضربه‌ای می‌خورد. هر مادری آرزو دارد پیشرفت و خوشبختی جانش را ببیند، اما مادران مظلوم و بی‌گناه از همه‌جایی خبر این چنین سرشکسته و شرمنده می‌شوند.

ماجرا‌ی شما و جدال تان با فرقه رجوی از کجا شروع شد؟

۲۰سال پیش پسرم که ورزشکار بود برای شرکت در مسابقات آزاد بدنسازی در ترکیه راهی این کشور شد. بعد هم از آنجا به من زنگ زد و گفت می‌خواهم به آلمان بروم و کار خوبی پیدا کردم. شما را هم پیش خودم می‌برم. یک شماره تماس و ایمیل هم داد که اشتباه بود و ما سال‌ها از او بی‌خبر ماندیم. من همیشه فکر می‌کردم در آلمان از دواج کرده و شغل مناسب دارد تا اینکه یک

روز یکی از افرادی که از جنگل فرقه تروریستی رجوی فرار کرده بود، به خانه ما آمد و گفت: «پسرت در اشرف است و فقط از من خواست این خبر را به شما بدهم. نگران شما بود.» من تا آن لحظه فکر می‌کردم پسرم برای زیارت به نجف

اشرف رفته و سریع خودم را به عراق رساندم. آنجا ما را به جای نجف بردند پشت در پادگان اشرف و گفتند پست را اینجا‌ست. دنیا روی سرم خراب شد. تازه فهمیدم چه بلایی سر ما آمده است.

در کنار شما خانواده‌های دیگر

هم بودند؛ عزیزان آنها چطور گرفتار شده بودند؟

اعضای گرفتار چند دسته‌اند؛ یک عده در زمان جنگ تحمیلی در اردوگاه‌های عراقی فریب داده شده و جذب سازمان شده‌اند. بعد از عملیات صدام، وقتی نیروهای این سازمان ریزش پیدا کرد، صدام ملعون اجازه داد تا سران این سازمان از جمله ایریسمچی به میان اسیران ایرانی در اردوگاه‌های عراقی بروند و جوانان ما را فریب داده و دست‌شویی مغزی بدهند. یک عده اسیر ایرانی هم به اجبار و زیر شکنجه به سازمان برده شدند. تعداد زیادی هم فریب کاری‌های این فرقه را خوردند.

در میانه‌ها و اعتراض‌های جانبا‌ز و شهید‌ها هم هستند که یکباره از آسمان به زمین خوردند. مادری را سراغ دارم که تا سال‌ها به‌عنوان خانواده شهید مفقودالثر شناخته می‌شد و آبرو و اعتباری داشت، اما سال‌ها بعد خبر آوردند که پسرش در سازمان اسیر است. ببینید یک مادر چه ضربه‌ای می‌خورد. هر مادری آرزو دارد پیشرفت و خوشبختی جانش را ببیند، اما مادران مظلوم و بی‌گناه از همه‌جایی خبر این چنین سرشکسته و شرمنده می‌شوند.

پادگان اشرف و تحصن و سخنرانی کردید؛ نتیجه تحصن و اعتراض تان‌ها چه بوده است؟ چند نتیجه داشت؛ اول اینکه بعد از ۷ماه تحصن و سخنرانی پشت درهای پادگان با بلندگو، افراد زیادی از دست این فرقه فرار کرده و به ما پیوستند. همان‌ها و از جمله آقای پیمان یگانه به ما گفتند به کارتان ادامه دهید و صدایتان را به آدم‌های داخل پادگان برسانید تا انگیزه فرارشان دوچندان شود؛ حتی او می‌گفت رجوی برای اینکه صدای تو از بلندگو‌ها به گوش افراد نرسد، داخل سرویس‌های بهداشتی هم بلندگو گذاشته و رادیو پخش می‌کند.

نتیجه بعدی هم زمینه‌چینی برای اخراج این گروه

او کرانی، چقدر این‌ها تلاش کردند خانواده‌های قربانیان را به‌سمت خود بکشانند، اما جز موارد اندکی نتوانستند.

برسیم به فیلم سرهنگ ثریا؛ با آن ارتباط گرفتید؟ به‌نظر تان توانسته رنج‌های شما را به تصویر بکشد؟

از سازمان سینمایی اوج و خانم لیلی عاج تشکر می‌کنم. خانم عاج برای ساخت فیلم، با خانواده‌ها همکاری تنگناگت داشت. باید اتفاقات و تحصن ۴ساله خانواده‌ها در پشت درهای زندان الموتی رجوی را به همان صورت با عکس و فیلم برای این کارگردان شرح کامل می‌دادم که این همکاری حدود ۲سال طول کشید؛ هر چند فیلم سرهنگ ثریا قطرهای از دریاست، ولی باز خدا را شاکریم که خیانت و جنایت رجوی در حق خانواده‌ها علی‌الخصوص مادران دردمند و زجرکشیده

به جشنواره سینما و آکران عمومی رسید. سرهنگ ثریا، صدای مظلومیت خانواده‌هاست. این فیلم جنایت فرقه ملعون رجوی در حق همه مادران در طول ۴۰سال است که در خفا سوختم داشتم و شعارهایی که می‌داندن برایم آشنا بود. کور خواندند و خدعه‌شان سال گذشته با شکست روبه‌رو شد، اما دیدید که عده‌ای از جوان‌ها فریب آزادپخواهی این هیله‌گران را خوردند و برپر شدند. باید برای این جوان‌ها به طرق مختلف چهره واقعی فرقه معرفی شود. متأسفانه این فرقه توسط دشمنان خارجی ایران تطمیع می‌شوند

پول و امکانات خوبی در اختیارشان هست؛ از

پول و وعده پول و دستمزد زیاد سراغ جوانان جوانی که در بدنیال انتقام از مردم ایران هستند. این فرقه در ایران و به‌ویژه در میان جوانان خیلی کم شناخته شده است. در ناآرامی‌ها در جذب خودش می‌کند. اغلب این گروه سراغ کسانی می‌روند که در خانواده مشکلی دارند؛ برای مثال بعد حادثه هوایپامی

که من خودم متاثر شده و گریه می‌کنم.

سکانسی بوده که خودتان هم متاثر شوید؟

یک سکانسی برای من خیلی از رزشمند است؛ آن هم جایی که خانم صامتی سوار بر وانت می‌خواهند بلندگوها را به‌سمت درب جنوبی پادگان اشرف ببرد، اما در مسیر به سمت او سنگ پرتاب شده و او مجبور می‌شود از وانت خودش را به زمین پرت کند. از عوامل فیلم شنیده‌ام در این سکانس، قرار بود برای اینکه خانم صامتی آسیب نبیند روی زمین بپایند و با خاک آن را بپوشانند، اما خانم صامتی قبول نکرده و گفته که اجازه دهید هر طوری که ثریا زمین خورده بازی کنم. واقعا به رسالت این بازیگر باید افتخار کرد که برای نقش خود چه زحمت‌ها در شرایط سخت بیابان کشیده است. ناگفته نماند نیزه‌های این فرقه دستگاه‌های سنگ‌شکن و نیزه‌پرتاب‌کن آمریکایی نباشند و با آنها به ما حمله می‌کردند،

اما ما تا آخرین لحظه حضور آنها در پادگان اشرف پشت

در ماندیم و کم‌نیاوردیم.



برگزاری کنگره بین‌المللی علامه طباطبایی در قم

مجمع عالی حکمت اسلامی با همکاری انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و جمعی از نهادهای فرهنگی و اجرایی کشور، چهارشنبه بیست‌و‌چهارم آبان‌ماه مقارن با روز جهانی «فلسفه» و همزمان با چهل‌ودومین سالگرد ارتحال علامه طباطبایی(ره)، «کنگره بین‌المللی علامه سید محمد حسین طباطبایی(ره)» را در شهر مقدس قم برگزار می‌کند. این رویداد از ساعت ۸:۳۰ صبح چهارشنبه ۲۴ آبان‌ماه با خیرمقدم حمید پارسانیا دبیر علمی همایش آغاز می‌شود و در ادامه پس از بخش پیام مقام معظم رهبری و فیلم جلسه دیدار دست‌اندرکاران کنگره و با معظمله، آیت‌الله علامه ضا فیاضی، رئیس هیات مدیره مجمع عالی حکمت اسلامی و رئیس کنگره، به ایراد سخن خواهد پرداخت. در ادامه این آیین ملی و بین‌المللی، آیت‌الله آملی لاریجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام سخنرانی خواهد کرد. بخش پیام آیات عظام عبدالله جوادی‌آملی و جعفر سبحانی نیز از دیگر بخش‌های این کنگره بین‌المللی است.

کنگره بین‌المللی علامه سید محمد حسین طباطبایی(ره) روزهای ۲۴ و ۲۵ آبان‌ماه در مدرسه علمیه امام کاظم(ع) سالن همایش‌های بین‌المللی رسول اعظم(ص) واقع در قم، میدان معلم، خیابان معلم شرقی برگزار خواهد شد.

این رمان نخستین‌بار سال ۱۹۵۴ منتشر شد. موضوع آن در بساره اتفاقاتی است که در شهری کوچک در سوئیس که مردی مورد اتهام قرار گرفته و به زندان افتاده، رخ می‌دهد. داستان کتاب با این جمله آغاز می‌شود: «من اشتبیل نیستم!» او ادعا می‌کند که نامش جیم وایت است و به خاطر اتهام‌های غلط و با هویتی نادرست دستگیر شده است. او برای اینکه ثابت کند ادعاهایش درست است به ارتکاب ۳ قتل حل‌نشدۀ اعتراف می‌کند و زندگی پرماجرای خود در آمریکا و مکزیک را با جزئیاتی دقیق روایت می‌کند. او هر کاری از دستش برمی‌آید، انجام می‌دهد اما دیگران حرفش را باور نمی‌کنند.

در واقع به اعتقاد پلیس، او کسی نیست جز اَناتول لودویگ اشتبیلر که به جرم مشارکت در عملیات جاسوسی برای روسیه تحت تعقیب است. وایت(متهم) همچنان تلاش می‌کند با تعریف داستان‌های مختلفی به پلیس ثابت کند که اشتبیلر نیست. این روایت‌های فرعی که برآمده از دل داستان اصلی هستند به تکمیل داستان کمک می‌کنند و جذابیتی دوچندان به آن می‌بخشند. چیزی که او به‌عنوان مدرک هویت خود ارائه می‌کند توصیف مکان‌هایی است که به‌ششم دیده است... رمان اشتبیلر، مخاطبان کتاب را یاد داستان‌های کافکا و کامو می‌اندازد و داستانی قدرتمند درباره فریب خویشتن و آزادی برآمده از پذیرش خود، پیش‌روی خواننده اثر قرار می‌دهد. در پایان کتاب ۲ مقاله درباره این رمان منتشر شده است؛ یکی به‌قلم اَرین فرانسن و دیگری به‌قلم فردریش دورنمات. نشر ماهی چاپ پنجم این رمان ۴۴۸صفحه‌ای خواندنی را به بهای ۲۶۵هزار تومان به‌تازگی روانه بازار کتاب کرده است.

رمان

اشتبیلر



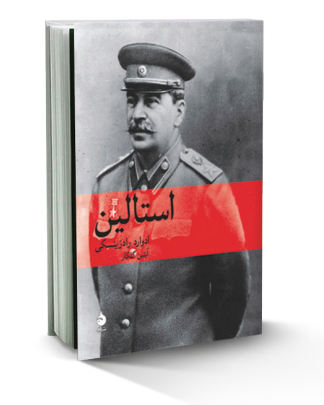
کتاب «اشتبیلر» اثر «ماکس فریش» را علی‌اصغر حداد به فارسی برگردانده و از سوی نشر ماهی منتشر شده است.

این رمان نخستین‌بار سال ۱۹۵۴ منتشر شد. موضوع آن در بساره اتفاقاتی است که در شهری کوچک در سوئیس که مردی مورد اتهام قرار گرفته و به زندان افتاده، رخ می‌دهد. داستان کتاب با این جمله آغاز می‌شود: «من اشتبیلر نیستم!» او ادعا می‌کند که نامش جیم وایت است و به خاطر اتهام‌های غلط و با هویتی نادرست دستگیر شده است. او برای اینکه ثابت کند ادعاهایش درست است به ارتکاب ۳ قتل حل‌نشدۀ اعتراف می‌کند و زندگی پرماجرای خود در آمریکا و مکزیک را با جزئیاتی دقیق روایت می‌کند. او هر کاری از دستش برمی‌آید، انجام می‌دهد اما دیگران حرفش را باور نمی‌کنند.

در واقع به اعتقاد پلیس، او کسی نیست جز اَناتول لودویگ اشتبیلر که به جرم مشارکت در عملیات جاسوسی برای روسیه تحت تعقیب است. وایت(متهم) همچنان تلاش می‌کند با تعریف داستان‌های مختلفی به پلیس ثابت کند که اشتبیلر نیست. این روایت‌های فرعی که برآمده از دل داستان اصلی هستند به تکمیل داستان کمک می‌کنند و جذابیتی دوچندان به آن می‌بخشند. چیزی که او به‌عنوان مدرک هویت خود ارائه می‌کند توصیف مکان‌هایی است که به‌ششم دیده است... رمان اشتبیلر، مخاطبان کتاب را یاد داستان‌های کافکا و کامو می‌اندازد و داستانی قدرتمند درباره فریب خویشتن و آزادی برآمده از پذیرش خود، پیش‌روی خواننده اثر قرار می‌دهد. در پایان کتاب ۲ مقاله درباره این رمان منتشر شده است؛ یکی به‌قلم اَرین فرانسن و دیگری به‌قلم فردریش دورنمات. نشر ماهی چاپ پنجم این رمان ۴۴۸صفحه‌ای خواندنی را به بهای ۲۶۵هزار تومان به‌تازگی روانه بازار کتاب کرده است.

تاریخ

استالین



کتاب «استالین» زندگینامه جامع استالین، رهبر شوروی، از کودکی تا مرگ است. این کتاب یکی از جامع‌ترین و خواندنی‌ترین زندگینامه‌های استالین است که ادوارد رادزینسکی آن را به رشته تحریر درآورده و توسط آبتین گلکار به فارسی برگردانده شده و به‌تازگی از سوی نشر ماهی به چاپ نهم رسیده است.

نویسنده کتاب، چند زندگینامه دیگر نیز درباره شخصیت‌های تاریخی روسیه نوشته است که کتاب آخرین تیزار، «زندگی و مرگ نیکالای دوم» یکی از معروف‌ترین آنهاست. رادزینسکی همچنین به‌نوشتن نامزیشامه هم شهرت دارد. او در نوشتن زندگینامه استالین از اسناد و مدارکی فوق‌محرمانه استفاده کرده است که پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در دسترس نبوده‌اند و اینگونه از چندراز بزرگ، از جمله راز مرگ استالین برده برداشته است که از این منظر، از دیگر زندگینامه‌های موجود در بازار کتاب ایران درباره استالین غنی‌تر به حساب می‌آید. این کتاب همچنین نخستین زندگینامه استالین در مقیاس کامل است که چیزی دارد که زندگینامه‌های قبلی نداشتند؛ واقعیت‌ها، ادوارد رادزینسکی با اسناد و مدارک، تصویری بی‌حترم و خونریزتر از آنچه از استالین توصیف یا تصور می‌شود ترسیم می‌کند.

رادزینسکی بدون اینکه دست به تحریف وقایع بزند، روایتی نسبتاً دراماتیک از زندگی استالین و تاریخ روسیه در آن سال‌ها ارائه می‌کند. چنان‌که در این مسابقه‌کننده‌به‌بینندگان در این مسابقه جوایزی نفیس اهدا خواهد شد. سسی‌ویکمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران با شاعر «آزده خواندنی است» از کتاب در ۵۶۸صفحه، به بهای ۵۷۰هزار تومان منتشر کرده است.